کارکرد معنایی اسماء الهی در خاتمه آیات سوره تحریم
نویسنده مسئول: محمدرضا واعظی راد
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، بهار ۱۴۰۵، ص ۱۱۵-۱۲۸

کارکرد معنایی اسماء الهی در خاتمه آیات سوره تحریم

نویسنده مسئول: محمدرضا واعظی راد[1]

چکیده: انتخاب اسماء الهی در پایان آیات قرآن کریم، یکی از نمودهای بارز اعجاز بیانی و ساختاری این کتاب آسمانی به‌شمار می‌رود. پژوهش حاضر با تمرکز بر سوره تحریم، به بررسی پیوند اسماء الهی به‌کار رفته در خواتیم آیات و تناسب آن‌ها با محتوای هر آیه می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه، روشن ساختن حکمت انتخاب هدفمند این اسامی و تبیین نقش آن‌ها در تقویت غرض اصلی سوره، یعنی «هشدار به توطئه‌گران و پاسداری از حریم نبوت» است. یافته‌ها نشان می‌دهد انتخاب اسمائی چون «غفور رحیم»، «علیم حکیم»، «علیم خبیر» و «قدیر» کاملاً سنجیده و متناسب با فضای معنایی هر آیه انجام شده است. این اسماء صرفاً صفات تکمیلی نیستند، بلکه با غنابخشی به مضمون آیات، پیام‌های تربیتی و اعتقادی را برای مخاطب تثبیت و تضمین می‌کنند. در پایان، اسماء الهی بکار رفته در این سوره با ایجاد انسجام درونی، برجسته‌سازی ابعاد مختلف صفات الهی همچون رحمت، علم، حکمت و قدرت، و ایفای نقش هشداردهنده و تربیتی، به طور جامع در خدمت اهداف هدایتی سوره قرار دارند. این پژوهش بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای آیات تدوین شده است.

کلیدواژه‌ها: اسماء الهی، سوره تحریم، خاتمه آیات، ارتباط معنایی، انسجام معنایی

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹؛ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵.

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران. تهران، ایران. ایمیل: moreza.vaezi@ut.ac.ir https: //orcid.org/0009-0004-0075-4766

۱. مقدمه

قرآن کریم همواره در نظر پژوهشگران اسلامی، به‌عنوان سرچشمه اعجاز الهی و نقطه اوج فصاحت و بلاغت مطرح بوده است. در این کتاب آسمانی، هر واژه و ترکیب زبانی نه‌تنها حامل معارف و حکمت‌هایی ژرف است، بلکه همواره معانی و ابعاد نویی را در گذر زمان برای نسل‌های مختلف آشکار می‌سازد، چنانکه پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «اِنَّ للقرآنِ ظَهراً وبطناً، ولَبطنِهِ بَطنٌ إلی سَبعةِ أبطُن» (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج۱، ص۳۱).

یکی از جلوه‌های مهم این اعجاز و حکمت، در آرایش هوشمندانه آیات و به‌ویژه خواتیم آن‌ها جلوه‌گر است؛ یعنی عبارات پایانیِ هر آیه که نه‌تنها کارکردی تکمیلی ندارند، بلکه مفهومی بنیادین و پیوندی وثیق با پیام و محتوای هر آیه برقرار می‌کنند. به‌گونه‌ای که اگر هر خاتمه در جایی غیر از موضع خود قرار گیرد، نظم آن خدشه‌دار می‌شود (ابوشبهه، ۱۴۲۳ق، ص۱۹۹). این تناسب زبانی و معنایی، جزئیات تازه‌ای از مقاصد وحی را روشن ساخته و دقت گزینشی الفاظ الهی را نشان می‌دهد؛ به تعبیر قرآن: «کِتَابٌ أُحْکِمَتْ آیَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَکِیمٍ خَبِیرٍ» (هود/۱)، که دلالت بر ساختاری نیکو و حکمت‌آمیز دارد. از برجسته‌ترین نمونه‌های ساختار خاتمه آیات، مواردی است که با اسماء و صفات الهی پایان می‌گیرد. این اسماء الهی با ظرافت معنایی و گستره ابعاد، در بخش‌های مختلف قرآن حضور یافته‌اند و انتخاب هر یک در پایان آیه براساس پیوند مفهومی دقیق با همان آیه است و نه انتخابی تصادفی؛ این ویژگی از اختصاصات قرآن به‌شمار می‌رود (حیدری، ۱۴۳۳ق، ج۳، ص۱۴۶). همچنین طبق بیان المیزان، قرآن تنها کتابی است که برای بیان اهداف خود، از اسماء الهی بهره گرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۸، ص۳۵۳). بنابراین، بررسی رابطه بین اسماء الهی در خاتمه آیات و ساختار آن‌ها، افزون بر آشکار ساختن فهم معارف ربانی، جلوه‌ای نو از اعجاز بیانی و نظم قرآن را نشان می‌دهد.

سوره تحریم، مشتمل بر مضامین کلیدی نظیر صیانت از شأن نبوی، تنظیم مناسبات خانوادگی در بیت رسالت، هشدار نسبت به افشاگری‌ها، و دعوت به توبه است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج۲۸، ص۳۰۹). اسماء الهی پایانی سوره با توجه به نظم توقیفی چینش کلمات (زرکشی،

۱۴۱۰ق، ج۱، ص۳۵۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج۱، ص۲۱۳؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج۱، ص۲۷۱)، هوشمندانه متناسب با پیام و هدف سوره گزینش شده‌اند. در این میان، تبیین جایگاه و کارکرد دقیق اسمائی چون «غفور رحیم»، «علیم حکیم»، «علیم خبیر» و «قدیر» در آیات سوره تحریم و تحلیل ارتباط آن‌ها با متن و فضای آیات، نیازمند پژوهشی عمیق و نظام‌مند است. سؤال اصلی این تحقیق آن است که هر یک از اسماء الهی به‌کار رفته در انتهای آیات سوره تحریم، با چه منطق معنایی و بلاغی، نقش ویژه‌ای در تفسیر، تأیید یا تکمیل پیام آیه ایفا کرده و چگونه به تحقق اهداف بنیادین سوره یاری می‌رسانند؟ بنابراین، هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه معنایی و نقش اسماء الهی در خواتیم آیات منتخب سوره و آشکار ساختن ابعاد جدیدی از حکمت و اعجاز بیانی قرآن است.

۱-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و توصیفی-تحلیلی، با هدف تبیین کارکرد معنایی خواتیم آیات منتخب سوره تحریم سامان یافته است. شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و از منابع معتبر لغوی، تفسیری و علوم قرآنی بهره می‌برد. در مرحله توصیفی، ابتدا معانی واژگان کلیدی خواتیم آیات و سپس دیدگاه مفسران برجسته درباره ارتباط آن‌ها با صدر آیه استخراج و دسته‌بندی می‌شود. در مرحله تحلیلی، داده‌های گردآوری‌شده واکاوی می‌گردند تا پیوند منطقی هر خاتمه با محتوای آیه و نیز نقش آن در راستای تحقق غرض اصلی سوره تبیین شود. این فرآیند به دنبال آشکار ساختن ابعاد جدیدی از اعجاز بیانی قرآن کریم است. در نهایت، با تحلیل تطبیقی این پیوندها، به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر حکمت و کارکرد این چینش الهی، پاسخی منسجم و مستدل ارائه خواهد شد. شایان ذکر است که اگر اسمی بیش از یک بار در خاتمه آیه آمده باشد، تنها یک بار به معنای لغوی آن پرداخته می‌شود.

۱-۲. پیشینه تحقیق

بررسی اسماء و صفات الهی همواره از دغدغه‌های مهم اندیشه اسلامی بوده و نقطه آغاز تألیف آثار ارزشمند در این حوزه به قرون اولیه بازمی‌گردد. نخستین مطالعات، بیشتر

ناظر به توضیح معنای لغوی و کلامی اسماء الهی به‌صورت مستقل بودند؛ آثاری چون «تفسیر أسماء الله الحسنی» ابواسحاق زجاج و «الأسماء و الصفات» ابوبکر بیهقی از منابع اساسی این عرصه به‌شمار می‌آیند. با گذر زمان و ظهور متون جامع‌تر مانند «المقصد الأسنی» غزالی و «لوامع البیّنات» فخررازی، رویکردی عمیق‌تر و تحلیلی شکل گرفت. در تفسیر قرآن نیز مفسرانی چون آلوسی در «روح المعانی» و علامه طباطبایی در «المیزان» به نقش اسماء الهی در پایان آیات و ارتباط آن با مضمون آیه توجه داشته‌اند؛ با این حال، اغلب این مباحث پراکنده و در حاشیه تفسیر هر آیه مطرح شده و تحقیقی ساختارمند درباره یک سوره کامل کمتر یافت می‌شود. پژوهش‌های معاصر، مانند پایان‌نامه سمیه درزی‌نیا با موضوع «واکاوی معانی آخر آیات با تأکید بر اسماء و صفات» و مقاله «پیوند معنایی صفات الهی در پایان آیات» از معصومه مرزبان، با رویکردی تخصصی‌تر، به تحلیل دقیق‌تر ارتباط معنایی اسماء الهی و خواتیم آیات می‌پردازند. آنچه این پژوهش را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد، تمرکز تحلیلی و دقیق آن بر پیوند میان اسماء الهی در خواتیم آیات با محتوا و مقاصد اصلی سوره تحریم است. هدف این رویکرد، آشکار ساختن لایه‌های پنهان انسجام معنایی و حکمت بیانی در این سوره و ارائه فهمی جامع‌تر از پیام‌های آن است.

۲. شناخت سوره تحریم

سوره تحریم، به عنوان شصت و ششمین سوره در چینش کنونی مصحف شریف، سوره‌ای مدنی با دوازده آیه است (مراغی، بی‌تا، ج۲۸، ص۱۵۴). این سوره با بیان ماجرایی که میان پیامبر اسلام ﷺ و برخی از همسران ایشان رخ داد آغاز می‌شود؛ ماجرایی که در جریان آن، پیامبر به خاطر رضایت برخی همسران خود، عملی حلال را بر خویش حرام نمود و خداوند در این آیات، وی را به سبب چنین کاری مورد عتاب قرار داده است؛ اصل توبیخ، بر اساس سیاق آیات، متوجه همان همسری است که زمینه این اتفاق را فراهم ساخت تا پیامبر را در برابر او یاری دهد؛ پس از ذکر این واقعه، مؤمنان را به پرهیز از عذاب و مراقبت از خویش فرا می‌خواند و یادآور می‌شود که هر کس به جزای عمل خود خواهد

رسید و گریزی از آن نیست؛ جز پیامبر و مؤمنان راستین؛ سپس مجدداً به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد تا با کفار و منافقان جهاد کند و در نهایت با ذکر دو مثال، یکی از زنان کافر و دیگری از زنان مؤمن، سوره را به پایان می‌برد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۹، ص۳۲۹). نوشته‌اند که غرض اصلی سوره، «هشدار به همسران پیامبر ﷺ و دیگر توطئه‌گران درباره عواقب خیانت به پیامبر ﷺ» است (خامه‌گر، ۱۴۰۱ش، ص۸۷). همچنین می‌توان گفت دغدغه بنیادین سوره، فراتر از یک ماجرای خانوادگی، به «حفظ حریم نبوت» معطوف است؛ چراکه هرگونه توطئه یا تزلزل در بیت پیامبر ﷺ، به منزله تهدیدی برای جایگاه رهبری امت تلقی شده و واکنش قاطع الهی را در پی داشته است.

۳. آیه ۱ سوره تحریم: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

۱-۳. بررسی واژگان آیه

غفور:

واژه «غفور» که از ریشه «غَفَرَ» گرفته شده، در اصل به معنای محافظت و پوشاندن چیزی از آلودگی و آسیب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۴۰۷). معنای این واژه، گاهی به محو کامل آثار گناه نیز توسعه داده می‌شود؛ به این ترتیب که شامل پوشاندن، نادیده گرفتن و در امان داشتن از پیامدهای سوء عمل می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج۷، ص۲۴۱). هنگامی که این صفت به خداوند نسبت داده می‌شود، به معنای بخشایش گناهان، پرده‌پوشی بر عیوب و زدودن آلام است. این بخشش، نه از روی استحقاق، بلکه از فضل، مهربانی و بزرگواری خداوند سرچشمه می‌گیرد و نشان‌دهنده گستردگی بی‌حد و حصر رحمت و آمرزش اوست (قشیری، ۱۴۲۲ق، ج۱، ص۲۵۰).

رحیم:

صفت «رحیم»، که ریشه در واژه «رَحِمَ» دارد، اساساً دلالت بر ظرافت احساس و مهربانی می‌کند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج۲، ص۴۹۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج۴، ص۸۹). در تمایز میان مفهوم رحمت الهی و رحمت انسانی، راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، صص۳۴۷-۳۴۸) رحمت خداوند

را مترادف با انعام و عطا می‌داند، در حالی که رحمت در مورد بندگان، بیشتر به معنای دلسوزی و شفقت است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج۳، ص۷۰). با این حال، کاربرد «رحیم» برای خداوند، صرفاً یک توصیف احساسی نیست، بلکه بیانگر توجهی آگاهانه و اراده‌ای فعال برای رساندن خیر به موجودات نیازمند است؛ به این معنا که خداوند با علم و اراده خود، بر اساس حکمت، به بندگانش نیکی می‌رساند (غزالی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۶۲).

۲-۳. تحلیل خاتمه آیه ۱: «وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

این آیه، خطابی آمیخته با عتاب است که چرا پیامبر ﷺ پاره‌ای از حلال‌های خدا را بر خود حرام کرده است؛ هرچند تصریح نشده که موضوع چه بوده، اما جمله «آیا خشنودی همسرانت را می‌خواهی؟» اشاره دارد که این عمل حلال، به دلیل نارضایتی و فشار برخی از همسران، با سوگند آن حضرت مبنی بر ترک آن همراه شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۹، ص۳۲۹). پایان آیه با عبارت «والله غفور رحیم»، در این نقطه، کارکردی فراتر از یک حسن ختام دارد. پس از لحن عتاب‌آمیز، این عبارت، دریچه‌ای به سوی رحمت الهی می‌گشاید. «غفور» بودن خدا، به این معناست که این خطا، قابل بخشش است و «رحیم» بودن او، نشان می‌دهد که این بخشش، از سر لطف و محبت است. این ترکیب، این اطمینان را می‌دهد که حتی لغزش‌های بزرگان نیز، در صورت توبه، مشمول رحمت الهی خواهد بود.

سوره تحریم، در کلیت خود، دغدغه حفظ حریم نبوت و جلوگیری از نفوذ انحرافات را دارد. هدف سوره، تنها تنظیم روابط خانوادگی نیست، بلکه هشداری است به کسانی که ممکن است از این روابط، سوء استفاده کنند. در این بستر، آیه اول، هشداری است به همه کسانی که به نوعی با حریم پیامبر ﷺ مرتبط هستند که نباید رضایت افراد را بر رضایت خدا مقدم بدارند. عبارت «والله غفور رحیم»، در این‌جا، یادآوری می‌کند که حتی انحراف در این حریم نیز، با توبه، قابل جبران است؛ اما این، نباید به منزله جواز سهل‌انگاری تلقی شود. ابن‌عاشور هدف از این پایان‌بندی را ایجاد آرامش و دلگرمی برای پیامبر ﷺ می‌داند تا از دل‌نگرانی که به سبب این ملامت، به آن حضرت دست داده بود، رهایی یابند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج۲۸، ص۳۱۰). بنابراین می‌توان گفت که کارکرد خاتمه این آیه، ایجاد یک

توازن ظریف بین ترس از خدا و امید به رحمت اوست. این خاتمه، یادآور این نکته است که در مسیر بندگی، همواره باید بین این دو قطب، تعادل برقرار کرد. نباید آن‌قدر غرق در ترس شد که از رحمت خدا ناامید شویم و نه آن‌قدر به رحمت او دل بست که از عواقب گناه، غافل شویم. این تعادل، ضامن سلامت روحی و معنوی فرد و جامعه است.

۴. آیه ۲ سوره تحریم: «قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»

۱-۴. بررسی واژگان آیه

العلیم:

«علیم»، به عنوان یک صیغه مبالغه، بر دانش گسترده و عمیق دلالت دارد؛ دانشی که فراتر از آگاهی ساده، به درک کامل حقایق و ماهیت اشیاء می‌پردازد. این مفهوم، شامل احاطه بر ذات و چیستی موجودات و همچنین، اثبات یا انکار وجود آن‌ها است. اطلاق صفت «علیم» به خداوند، به این دلیل است که هیچ پدیده‌ای از دایره علم او خارج نیست و دانش او، همه چیز را در بر می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۵۸۰). در زبان عربی، «علم» به معنای رفع جهل و نادانی است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج۴، ص۱۱۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج۱۲، ص۴۱۶؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج۸، ص۲۰۵). همچنین، به حضور کامل و بی‌واسطه اشیاء نزد داننده (عالِم) اشاره دارد. از این رو، وقتی از «علیم» بودن خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان احاطه کامل و جامع او بر تمام موجودات، اشخاص و ابعاد گوناگون هستی است (همان، ج۸، ص۲۰۶؛ رمضانی گیلانی، ۱۳۷۹ش، ص۲۸۲).

الحکیم:

واژه «حکیم»، از ریشه «حَکَمَ»، در «المفردات» به معنای «منع و بازداشتن با هدف اصلاح» تعریف شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۲۴۸). ابن‌فارس (۱۴۰۴ق، ج۲، ص۹۱) آن را «بازداشتن از ظلم و ستم» دانسته، و برخی دیگر «محکم‌کار و صاحب حکمت در کردار» تفسیر کرده‌اند که اعمالش بر پایه تشخیص صحیح و مصلحت است (قرشی،

۱۴۱۲ق، ج۲، ص۱۶۴). طبرسی (۱۳۷۲ش، ج۱، ص۱۸۳) برای «حکیم» دو معنا قائل است: اول، «عالم مطلق» که صفتی ذاتی برای خداوند است؛ و دوم، «کسی که کارش متقن و محکم است» که صفتی از افعال الهی محسوب می‌شود. منابع روایی نیز حکمت را نوعی «ثبات و استواری رأی و اندیشه» شامل آگاهی کامل از عواقب امور می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱، ص۲۱۶). هنگامی که صفت «حکیم» به خداوند نسبت داده می‌شود، به معنای ذاتی است که بهترین امور را با کامل‌ترین و دقیق‌ترین دانش می‌شناسد؛ این نشان‌دهنده علم ازلی و بی‌نهایت خداوند به تمامی هستی و جزئیات آن است و بدین ترتیب، حکمت مطلق و کامل تنها شایسته ذات باری‌تعالی است (غزالی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۱۲۰).

۲-۴. تحلیل خاتمه آیه ۲: «وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»

آیه شریفه، به تبیین یک حکم الهی و ارائه راهکاری تشریعی در خصوص سوگندها می‌پردازد. بر اساس مفاد این آیه، خداوند متعال برای مؤمنان مسیری را مقدر و قانون‌گذاری نموده است که به واسطه آن، امکان رهایی از التزام ناشی از قسم فراهم می‌گردد. این حکم، عمل بر خلاف سوگند را در شرایطی خاص مشروعیت می‌بخشد؛ به این معنا که تعهدی که فرد با قسم بر عهده می‌گیرد، تعهدی دائمی و غیرقابل بازگشت نیست و با به جا آوردن آنچه خداوند مقرر فرموده، یعنی پرداخت کفاره، آن سوگند منحل گشته و التزام به آن از بین می‌رود؛ در نتیجه، فرد می‌تواند به طور مشروع بر خلاف قسم خود عمل نماید، زیرا با تخلفی که کفاره آن پرداخت شده، عقدِ قسم گشوده و باطل می‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج۱۰، ص۴۷۳). خاتمه «وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»، در انتهای این آیه، معنایی بسیار ژرف و مرتبط با محتوای حکمِ تشریعِ کفاره دارد. «العلیم» بودن خداوند، به این معناست که او با علم کامل به تمام زوایای زندگی انسان، از جمله نیازها، محدودیت‌ها و شرایط اضطراری او، این حکم را وضع کرده است. خداوند می‌داند که انسان ممکن است در شرایطی قرار بگیرد که ادامه دادن به سوگند، نه تنها مفید نباشد، بلکه مضر و زیان‌آور نیز باشد. بنابراین، او با علم خود، راهی برای خروج از این وضعیت پیش‌بینی کرده است. «الحکیم» بودن خداوند، به این معناست که این حکم، بر اساس حکمت و مصلحت الهی وضع شده

است. تشریع کفاره، نه تنها یک راه حل برای مشکل است، بلکه یک فرصت برای رشد و تعالی نیز محسوب می‌شود. پرداخت کفاره، به انسان یادآوری می‌کند که اعمالش دارای مسئولیت است و باید در انتخاب‌ها و تصمیم‌هایش دقت کند. از سوی دیگر، این حکم، از سخت‌گیری و ایجاد بن‌بست در زندگی انسان جلوگیری می‌کند و به او این امکان را می‌دهد که در صورت لزوم، از سوگند خود عدول کند.

در بستر سوره تحریم، که هدف آن، حفظ قداست و سلامت جامعه اسلامی است، این آیه، یک اصل مهم را بیان می‌کند: در شریعت اسلامی، همواره راهی برای حل مشکلات و خروج از بن‌بست‌ها وجود دارد. عبارت «وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»، در این جا، تأکید می‌کند که این راه حل‌ها، همگی بر اساس علم و حکمت الهی استوار هستند و هدف آن‌ها، حفظ مصالح فرد و جامعه است. بقاعی می‌نویسد: «صفت «الْعَلِيمُ» به این معناست که علم او به مصالح بندگان و غیر آن، به سرحد کمال و بی‌نهایت رسیده است و صفت «الْحَكِيمُ» نیز به آن معناست که او هر آنچه از جانبش برای انسان صادر می‌شود را در استوارترین و متقن‌ترین جایگاهش قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که نه خود او آن را نسخ می‌کند و نه هیچ‌کس دیگری قادر است آن یا حتی بخشی از آن را تغییر دهد» (بقاعی، ۱۴۰۴ق، ج۸، ص۴۵). بنابراین، می‌توان گفت که کارکرد اصلی خاتمه این آیه، تأکید بر دانش و حکمت الهی در تشریع حکم کفاره، ایجاد اعتماد در مؤمنان نسبت به احکام الهی و یادآوری این نکته است که هدف از این احکام، تسهیل زندگی انسان‌ها و هدایت آن‌ها به سوی سعادت است.

۵. آیه ۳ سوره تحریم: «وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ»

۵-۱. بررسی واژگان آیه

الخبیر:

«خبیر»، کلمه‌ای از ریشه «خَبَرَ» است و در زبان عربی، به معنای کسی است که از درون و عمق مسائل آگاه است و می‌تواند دیگران را از آن آگاه سازد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق،

ص۲۷۳). در تعریفی دیگر، این واژه به دانشی اشاره دارد که از طریق بررسی دقیق و احاطه کامل بر موضوع به دست می‌آید و مفید و کارآمد است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج۳، ص۱۰). فراهیدی (۱۴۰۹ق، ج۴، ص۲۵۸) «خبیر» را فردی می‌داند که دانش خود را از تجربه کسب کرده و به کنه و حقیقت هر چیزی آگاه است. اطلاق این صفت به خداوند، با توجه به آگاهی ازلی او، در مقابل تلاش انسان برای کسب آگاهی، کمال مطلق این صفت را در ذات الهی نشان می‌دهد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۲ش، ج۱، ص۲۹۹). در مورد خداوند، «خبیر» به ذاتی اطلاق می‌شود که به کنه و حقیقت اشیاء آگاه بوده و احاطه کاملی بر آن‌ها دارد. این احاطه علمی شامل تمام جزئیات و امور پنهان عالم هستی است و بیانگر علم مطلق و فراگیر خداوند است (فخر رازی، ۱۴۰۶ق، ج۱، ص۲۴۸).

۲-۵. تحلیل خاتمه آیه ۳: «نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ»

این آیه به واقعه‌ای اشاره دارد که در آن، پیامبر اکرم ﷺ رازی را نزد یکی از همسران خویش به امانت گذاشتند و او را به کتمان آن سفارش کردند؛ اما آن همسر، راز را افشا نمود. پس از آنکه خداوند، پیامبر ﷺ را از این امر آگاه ساخت، ایشان موضوع را با وی در میان گذاشتند؛ همسر ایشان پرسید چه کسی او را از این ماجرا مطلع کرده است و پیامبر ﷺ پاسخ دادند که خداوندِ «علیمِ خبیر» ایشان را با خبر ساخته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۹، ص۳۳۱). عبارت پایانی آیه «نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ»، بیش از یک پاسخ ساده است. این عبارت، قدرت و علم مطلق الهی را به رخ می‌کشد و به همسر پیامبر ﷺ و به طور غیرمستقیم، به همه مؤمنان یادآوری می‌کند که هیچ چیز از دید خداوند پنهان نیست. «العلیم» بودن خدا، به این معناست که او از همه چیز، حتی از نیت‌ها و انگیزه‌های پنهان افراد آگاه است و «الخبیر» بودن او، نشان می‌دهد که او از تمام جزئیات و ظرافت‌های امور باخبر است. این ترکیب، تأکیدی است بر اینکه افشای راز، هرچند پنهانی و دور از چشم دیگران، از دید خداوند مخفی نمانده است.

در بستر سوره تحریم، که هدف اصلی آن، حفظ حریم نبوت و جلوگیری از نفوذ عوامل مخرب است، این آیه، هشداری جدی به کسانی است که ممکن است به فکر خیانت

به پیامبر ﷺ و افشای اسرار او باشند. این سوره به دنبال این است که نشان دهد حتی کوچک‌ترین انحرافات در حریم پیامبر ﷺ نیز نباید نادیده گرفته شود و عبارت «نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ»، در این‌جا، تأکید می‌کند که خداوند، مراقب و نگهبان پیامبر ﷺ است و هر توطئه‌ای را خنثی می‌کند. ترتیب ذکر صفات الهی در این آیه، حاوی نکته‌ای بلاغی و معنایی است؛ چنانچه فخر رازی می‌گوید: توصیف خداوند به صفت «خبیر» پس از صفت «علیم»، به این دلیل است که در واژه «خبیر» مرتبه‌ای از مبالغه و شدت معنایی وجود دارد که در واژه «علیم» دیده نمی‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۳۰، ص۵۷۰)؛ لذا ذکر آن پس از «علیم»، تأکیدی بر کمال و نفوذ علم الهی است. با توجه به توضیحات ارائه شده، می‌توان گفت که کارکرد خاتمه این آیه، ایجاد ترس و هراس در دل کسانی است که قصد خیانت و توطئه دارند و در عین حال، ایجاد امید و اطمینان در دل مؤمنان است. این خاتمه یادآوری می‌کند که خداوند، همواره حاضر و ناظر است و هیچ چیز از دید او پنهان نیست؛ از یک سو، هشداری است به کسانی که به فکر خیانت هستند و از سوی دیگر، بشارتی است به مؤمنان که خداوند، همواره از آن‌ها حمایت می‌کند و توطئه‌های دشمنان را خنثی می‌سازد.

۶. آیه ۸ سوره تحریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

۱-۶. بررسی واژگان آیه

قدیر:

«قدیر»، صفتی مشتق از ریشه «قَدَرَ» است که معانی گسترده‌ای چون توانایی و اقتدار، محدود ساختن، و تعیین دقیق اندازه و مقدار را در بر می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۶۵۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج۹، ص۲۰۶؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج۵، ص۲۴۷). در «معجم مقاییس اللغة» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج۵، ص۶۲)، ریشه «قدر» پایه‌ای است که بر عمق و نهایت هر

پدیده دلالت دارد. حکم الهی بر موجودات نیز از کمال و نهایتی مقدر و اندازه‌گیری شده برای آن‌ها ناشی می‌شود، که بر دقت و حساب‌شده بودن قدرت و تدبیر خداوند تأکید دارد. «قدیر» به عنوان صفت مشبهه، استمرار و استقرار این صفت را در ذات الهی برجسته می‌کند؛ این بدان معناست که قدرت خداوند همیشگی، ثابت و بدون هیچ‌گونه کاستی یا محدودیتی است و به طور ذاتی و پیوسته در وجود او حضور دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج۹، ص۲۰۸). بنابراین، «قدیر» نمایانگر قدرت مطلق، دائمی و کامل الهی است.

۲-۶. تحلیل خاتمه آیه ۸: «إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

این آیه مؤمنان را به توبه نصوح (توبه خالصانه) دعوت می‌کند و وعده می‌دهد که اگر چنین توبه‌ای کنند، خداوند گناهانشان را می‌بخشد و آن‌ها را به بهشت‌هایی وارد می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است. این آیه، تصویری از روز قیامت ارائه می‌دهد که در آن روز، خداوند پیامبر ﷺ و مؤمنان همراه او را خوار نمی‌کند، بلکه نور آن‌ها پیشاپیش و در سمت راستشان حرکت می‌کند و آن‌ها می‌گویند: «پروردگارا، نور ما را کامل کن و ما را ببخش، زیرا تو بر هر چیز توانایی». عبارت پایانی آیه «إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، تأکیدی است بر قدرت مطلق الهی در تحقق وعده‌هایش. این عبارت، به مؤمنان اطمینان می‌دهد که اگر به سوی خدا توبه کنند و در راه او استقامت ورزند، خداوند قادر است که گناهانشان را ببخشد، آن‌ها را وارد بهشت کند و نور ایمانشان را در روز قیامت کامل نماید. «قدیر» بودن خدا، در این‌جا، صرفاً یک توصیف نیست، بلکه یک ضمانت است؛ ضمانتی که به مؤمنان وعده می‌دهد که خداوند، توانایی انجام هر کاری را دارد و وعده‌هایش، حتماً محقق خواهند شد.

سوره تحریم، که دغدغه اصلی آن، حفظ قداست و سلامت جامعه اسلامی است، در این آیه، راهی برای تطهیر و پالایش جامعه از گناه و معصیت ارائه می‌دهد: توبه نصوح. عبارت «إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، در این‌جا، تأکید می‌کند که خداوند، قادر است که جامعه را از هرگونه آلودگی پاک کند و آن را به سوی کمال و سعادت هدایت نماید. گفته‌اند که عبارت «إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» یعنی خداوند بر کامل گرداندن نور مؤمنان، آمرزش

گناهانشان و سایر امور، صاحب قدرت و توانایی است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج۲۸، ص۱۰۹) و با این پشتوانه، استجابت دعا و مأیوس نشدنِ امیدها از درگاه او طلب می‌گردد (مراغی، بی‌تا، ج۲۸، ص۱۶۵). با توجه به توضیحات ارائه شده می‌توان گفت که کارکرد خاتمه این آیه، ایجاد امید و انگیزه در دل مؤمنان برای توبه و بازگشت به سوی خداست. این خاتمه، یادآوری می‌کند که خداوند، قدرتمندترین موجود عالم است و هیچ چیز از اراده او خارج نیست؛ از یک سو، مؤمنان را به توبه و استغفار تشویق می‌کند و از سوی دیگر، به آن‌ها اطمینان می‌دهد که اگر به سوی خدا بازگردند، او آن‌ها را خواهد پذیرفت و گناهانشان را خواهد بخشید.

۷. نتیجه

بررسی آیات سوره تحریم و خواتیم آن‌ها نشان می‌دهد که انتخاب اسماء الهی در پایان‌بندی آیات، کاملاً هدفمند بوده و پیوندی عمیق با محتوای هر آیه و غرض اصلی سوره، یعنی «هشدار به توطئه‌گران و پاسداری از حریم نبوت» دارد. این اسماء نقش کلیدی در تأکید، توضیح و تضمین پیام هر آیه ایفا می‌کنند. برای نمونه، خاتمه آیه اول با «غفور رحیم» پس از عتاب به پیامبر ﷺ، ضمن آرامش‌بخشی به ایشان، توازنی میان خوف و رجاء را برقرار می‌سازد و بر باز بودن باب توبه تأکید می‌کند. در آیه دوم، اسماء «علیم حکیم» پشتوانهٔ منطقی حکم تسهیل‌گر کفارهٔ قسم است و نشان می‌دهد که این تشریع، برخاسته از علم و حکمت مطلق خداوند نسبت به شرایط انسان است. به همین ترتیب، در آیه سوم، عبارت «العلیم الخبیر» پس از افشای یک راز، به صورت یک هشدار جدی عمل کرده و یادآور می‌شود که هیچ امر پنهانی از علم دقیق و فراگیر خداوند مخفی نمی‌ماند و او حافظ و نگهبان حریم رسالت خویش است. در نهایت، در آیه هشتم، اسم «قدیر» به عنوان ضامن قدرت مطلق خداوند بر تحقق وعده‌هایش به توبه‌کنندگان عمل می‌کند و به مؤمنان اطمینان می‌بخشد که بخشش گناهان و ورود به بهشت، در ید قدرت الهی است. بنابراین، این پژوهش نشان داد که چینش این اسماء الهی، بُعدی از اعجاز بیانی قرآن را آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که هر اسم با دقت تمام در جایگاه خود قرار گرفته تا مفاهیم آیه را تعمیق بخشد و به تحقق اهداف سوره یاری رساند.

منابع

قرآن کریم

ابن‌بابویه، محمدبن علی، **ترجمه عیون اخبار الرضا** علیه‌السلام، مترجم: مستفید، حمیدرضا؛ غفاری، علی‌اکبر، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۲ش.

ابن‌عاشور، محمدطاهر، **تفسیر التحریر و التنویر**، بیروت، مؤسسة التاریخ العربي، ۱۴۲۰ق.

ابن‌فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

ابن‌منظور، محمدبن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوضیع، دارصادر، ۱۴۱۴ق.

ابوشبهه، محمد، **المدخل لدراسة القرآن الکریم**، قاهره مکتبة السنة، ۱۴۲۳ق.

بقاعی، برهان‌الدین، **نظم الدرر فی تناسب السور و الآیات**، قاهره، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

خامه‌گر، محمد، **ساختار و غرض سوره تحریم**، کشف استدلالی با رویکرد جامع، پژوهش‌نامه نقد آراء تفسیری، شماره پیاپی ۴، سال دوم، دوره دوم، زمستان، صفحه ۶۹ تا ۹۶، ۱۴۰۱ش.

رمضانی گیلانی، رضا، **درآمدی بر اسماء الهی از دیدگاه قرآن و عرفان**، قم، نسیم حیات، ۱۳۷۹ش.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، **المفردات في غریب القرآن**، محقق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت- دمشق، دارالقلم، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.

زرکشی، محمدبن عبدالله، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.

سیوطی، جلال‌الدین، **الإتقان فی علوم القرآن**، لبنان، دار الکتاب العربی، ۱۴۲۱ق.

طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

طبری، محمدبن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن** (تفسیر الطبری)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.

طبرسی، فضل‌بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

فخرالدین رازی، محمدبن عمر، **لوامع البیّنات؛ شرح اسماء الله تعالی و الصفات**، قاهره، مکتبة الکلمات الازهریة، ۱۴۰۶ق.

فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

فراهیدی، خلیل‌بن احمد، **العین**، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.

فیض کاشانی، محسن، **تفسیر صافی**، تهران، مکتبة الصدر، ۱۴۱۶ق.

قشیری، عبدالکریم، **شرح اسماء الله الحسنی**، قاهره، دار الحرم للتراث، ۱۴۲۲ق.

قرشی‌بنایی، سید علی‌اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.

غزالی، ابوحامد، **المقصد الأسنی فی شرح معاني أسماء الله الحسنی**، قبرس، الجفان والجابی، ۱۴۰۷ق.

حیدری، کمال، **منطق فهم القرآن**، قم، دار فراقد، ۱۴۳۳ق.

مراغی، احمدبن مصطفی، **تفسیر المراغی**، بیروت، دار احیاء التراث العرب، بی‌تا.

مجلسی، محمدباقر، **بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

معرفت، محمّدهادی، **التمهید فی علوم القرآن**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.